



حبس

- حبس در دو معنا استعمال شده است.
۱- اباحه مجانی منافع برای جهتی یا شخصی معین و یا عنوانی از عناوین. [۱]
۲- زندانی کردن.

فهرست مندرجات

- ۱ - به معنای اباحه منافع
 - ۱.۱ - معنای اصطلاحی
 - ۱.۲ - تفاوت حبس با وقف
 - ۱.۲.۱ - ملکیت
 - ۱.۲.۲ - مدت زمان
 - ۱.۳ - اقسام
 - ۱.۴ - ماهیت
 - ۱.۵ - مورد
 - ۱.۶ - شرایط
 - ۱.۷ - احکام
 - ۱.۷.۱ - حبس بر جهت
 - ۱.۷.۲ - حبس بر شخص
 - ۱.۷.۳ - حبس بر عنوان
- ۲ - به معنای زندانی کردن
 - ۲.۱ - معنا
 - ۲.۲ - مفهوم
 - ۲.۳ - در دوره اسلامی
 - ۲.۴ - ادله مشروعیت
 - ۲.۴.۱ - آیات
 - ۲.۴.۲ - سنت
 - ۲.۴.۳ - مصالح عمومی
 - ۲.۵ - باب فقهی
 - ۲.۶ - موارد
 - ۲.۷ - حاکم شرع
 - ۲.۸ - اهداف
 - ۲.۸.۱ - جریان بسالم تحقیق
 - ۲.۸.۲ - اقدام تأمینی
 - ۲.۸.۳ - وادار به انجام وظایف
 - ۲.۸.۴ - مجازات حد
 - ۲.۸.۵ - مجازات تعزیری
 - ۲.۹ - انواع حبس کیفری
 - ۲.۹.۱ - ابد
 - ۲.۹.۲ - موقت
 - ۲.۱۰ - احکام
 - ۲.۱۰.۱ - نماز
 - ۲.۱۰.۲ - محرم
 - ۲.۱۰.۳ - روزه
 - ۲.۱۰.۴ - طلاق
- ۳ - تاریخچه حبس
 - ۳.۱ - دوره قاجار
 - ۳.۲ - پس از انقلاب اسلامی
- ۴ - فهرست منابع
- ۵ - پانویس
- ۶ - منبع

← معنای اصطلاحی

حبس به معنای نخست در اصطلاح **فقه** عبارت است از این‌که فردی، عینی معین از **ملک** خود را برای جهتی معین از جهات **خیر**، مانند حبس **مَرکب** برای انتقال **حاجیان** به **مکه**، یا عنوانی از عناوین، مانند حبس ملکی برای **فقرا** یا **علما** و یا برای شخصی معین، حبس کند؛ بدین‌گونه که منافع آن - برای همیشه یا مدتی معین - در آن جهت یا برای آن عنوان یا شخص صرف گردد. [۶] [۴]

← تفاوت حبس با وقف

← ملکیت

در **وقف** بنا بر **مشهور**، **عین** از **ملک** خارج می‌شود و یا بنا بر قول مقابل مشهور، موجب ممنوعیت **مالک** از همه تصرفات می‌گردد؛ هر چند از ملک خارج نمی‌شود؛ اما در حبس، عین در ملک مالک می‌ماند و وی از تصرفات غیر مزاحم یا استیفای **منفعت** ممنوع نمی‌گردد؛ از این‌رو، فروختن عین حبس شده **جایز** است. [۴] [۵] [۶]

البته بنا بر قول به خروج عین از ملک در حبس دائم آن بر جهات خیر، این تفاوت در این نوع حبس منتفی است. [۷] [۸]

← مدت زمان

در وقف، دائم بودن **شرط صحت** آن است؛ اما حبس به صورت موقت نیز صحیح است. [۹] [۱۰] [۱۱] [۱۲]
حبس در کنار **سکنی**، **عمری** و **رقبی**، عنوانی مستقل در فقه است؛ هر چند تعداد زیادی از **فقه‌ها** بسیاری از **احکام** آن را متعصّف نشده و به اجمال بسنده کرده‌اند. [۱۳]

← اقسام

حبس بر دو گونه است:
حبس بر جهتی از جهات خیر، مانند **کعبه** معظم، **مساجد** و **مشاهد مشرفه** و حبس بر شخصی معین یا عنوانی عام، مانند فقرا. بر هر یک احکامی مترتب است که بدان‌ها اشاره خواهد شد.

← ماهیت

آیا حبس مطلقاً **عقد** است [۱۴] [۱۵] [۱۶] یا حبس بر شخص عقد است، اما حبس بر جهت خیر عقد نیست، بلکه **ایقاع** است؛ در نتیجه نیازی به **قبول ناظر** یا **حاکم** نیست [۱۷] [۱۸] [۱۹] مسئله اختلافی است. برخی در عقد بودن حبس بر شخص نیز اشکال و تأمل کرده‌اند. [۲۰] [۲۱]

← مورد

بنا بر تصریح بسیاری، آنچه وقف آن صحیح است، حبس آن نیز صحیح است. بنا بر این، حبس تنها در عینی صحیح است که با بقای آن انتفاع از آن امکان‌پذیر باشد.
از این جهت حبس **آب** برای **نوشیدن** صحیح نیست. [۲۲] [۲۳] [۲۴] [۲۵] [۲۶] [۲۷] [۲۸]

← شرایط

برای هر یک از حبس، حبس کننده، مال حبسی و محبوس علیه شرایطی ذکر شده است.
برخی، **قصد قربت** را شرط صحت حبس [۲۹] [۳۰] و برخی، **شرط لزوم** آن دانسته‌اند. [۳۱] [۳۲] [۳۳]
در اعتبار **قبض** (تحويل گرفتن عین) نیز اختلاف است که شرط صحت است [۳۴] [۳۵] [۳۶] [۳۷] [۳۸] یا شرط لزوم و یا تنها در حبس بر شخص **شرط** است. [۳۹]
در حبس کننده، شرایط **واقف** - مالک عین و منفعت بودن و تام بودن ملک، به معنای متعلق حقّ دیگری نبودن آن همچون **مال رهنی** - معتبر است.
شرایط مال حبس شده عبارتند از این‌که هنگام حبس موجود و معلوم باشد، عین باشد - نه منفعت و **دین** - قابل انتقال به محبوس علیه باشد و نیز به مقدار **زمان** حبس صلاحیت بقا داشته باشد.
در محبوس علیه همچون موقوف علیه، موجود و معین بودن و **اهلیت** داشتن برای استفاده از منفعت معتبر است. [۴۰]

← احکام

← حبس بر جهت

این نوع حبس یا محدود به مدّتی معین است یا تصریح بر دائم بودن آن شده و یا **مطلق** است.
حبس در فرض نخست، **لازم** است و مالک نمی‌تواند قبل از پایان یافتن مدّت، آن را بر هم زند و به ملک خود رجوع کند. [۴۱] [۴۲]
در فرض دوم نیز لازم است و تا زمانی که عین باقی است، تغییر آن **جایز** نیست؛ [۴۳] لیکن در این‌که عین **محبوس** از **ملک** خارج می‌شود یا نه، اختلاف است. [۴۴] [۴۵] [۴۶] [۴۷]

فرض سوم نیز حکم فرض دوم را دارد. [۴۸] [۴۹] [۵۰] [۵۱]
برخی، همسانی صورت سوم با صورت دوم در حکم را در فرضی دانسته‌اند که منظور حبس کننده از اطلاق، دوام باشد؛ بدین معنا که شاهدهی بر آن وجود داشته باشد. [۵۲]

← حبس بر شخص

این نوع حبس یا مطلق است و یا محدود به مدتی معین؛ هر چند مدّت **حیات** یکی از حبس کننده یا کسی که برای او حبس شده، باشد. در فرض اول، با **مرگ** حبس کننده، مال حبس شده به عنوان **میراث** به **ورثه** او منتقل می‌شود؛ لیکن در این صورت حبس تا مرگ حبس کننده **لازم** است و او **حق** بر هم زدن و رجوع به مال را ندارد و یا جایز است و هر وقت بخواهد می‌تواند رجوع کند، اختلاف است. [۵۳] [۵۴] [۵۵] در فرض دوم، حبس تا پایان مدّت لازم است و پس از آن، به حبس کننده یا **وارث** او باز می‌گردد. [۵۶]

←← حبس بر عنوان

بنا بر تصریح برخی، این نوع حبس، حکم **حبس بر شخص** را دارد. [۵۷] [۵۸]

به معنای زندانی‌کردن

حبس، **مجازاتی** در فقه و حقوق به معنای بازداشتن **مجرم** یا **متهم** از تصرف در برخی امور خویش و ایجاد محدودیت برای او. از حبس به معنای دوم در باب‌های **صلات**، **حج**، **ایلاء**، **کفالت**، **قضاء**، **حدود** و **قصاص** سخن گفته‌اند.

← معنا

حبس در **لغت** به معنای بازداشتن و مکان بازداشت است [۵۹] [۶۰] [۶۱] و در **متون دینی** و **منابع فقهی** نیز به همین معنا به کار رفته است. [۶۲] [۶۳] [۶۴]

بر این اساس، مفهوم واژه حبس صرفاً ناظر به محدود کردن شخص و بازداشتن او از دخالت و تصرف در امور خویش است و ویژگی‌های مکان حبس و میزان امکانات آنان در آن تأثیری ندارد. [۷۱]

← مفهوم

به تصریح برخی **فقه‌ها** (به عنوان مثال به این منابع رجوع کنید [۷۲] [۷۳] [۷۴])، مفهوم حبس اعم از **زندان** است و با شیوه‌هایی مانند نگاه داشتن فرد در **منزل** یا همراه بودن مداوم نگهبانان مدعی، با وی نیز تحقق می‌یابد. با این همه، زندان بارزترین و کامل‌ترین مصداق حبس و واجد همه ویژگی‌های آن است؛ از این‌رو در بیشتر **متون فقهی**، حبس دقیقاً به معنای زندانی کردن به کار رفته است. [۷۵] [۷۶] [۷۷]

← در دوره اسلامی

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مواردی **فرمان** به حبس افراد دادند، [۷۸] [۷۹] [۸۰] [۸۱] [۸۲] ولی در زمان آن حضرت و همچنین در دوران **خلافت ابوبکر** زندان وجود نداشت و متهم یا مجرم در **مسجد** یا **دهلیز** و **دالان** خانه‌ها و با همراه شدن **نگهبان** یا **شاکی** با او و تحت نظر قرار دادن وی محبوس می‌شد. در دوره خلافت **عمر بن خطاب**، با گسترش قلمرو **جامعه اسلامی**، منزلی در **مکه** خریداری شد و به زندان اختصاص یافت، نخستین بار در دوره **حکومت حضرت علی** علیه‌السلام، در **کوفه** زندان بنا شد. [۸۳] [۸۴] [۸۵] [۸۶]

← ادله مشروعیت

فقه‌های همه **مذاهب** در اصل **مشروعیت** حبس اتفاق نظر دارند. از جمله دلایل ایشان عبارت است از:

←← آیات

در آیاتی از **قرآن** به حبس برخی مجرمان حکم شده است. مثلاً در **آیه** پانزدهم **سوره نساء** **کیفر زن زناکار**، حبس در منزل تا زمان مرگ قرار داده شده، که این **حکم** با نزول **آیه دوم سوره نور** نسخ شده است. [۸۷] [۸۸]

همچنین شماری از فقها مراد از نفی را در **آیه ۳۳ سوره مائده**، [۹۰] که یکی از کیفرهای **مُحارب** ذکر شده، حبس دانسته‌اند. [۹۱] [۹۲] [۹۳] به **آیه ۱۰۶ سوره مائده** [۹۴] (**بازداشت**) و **آیه پنجم سوره توبه** نیز استناد شده است. [۹۵] [۹۶]

←← سنت

سنت و **سیره عملی** پیامبر اکرم و **امام علی** [۹۷] [۹۸] [۹۹] و نیز احادیث متعدد بر **مشروعیت حبس** دلالت دارند (برای نمونه به احادیث این منبع رجوع کنید [۱۰۰] [۱۰۱] [۱۰۲] [۱۰۳]).

←← مصالح عمومی

مصالح عمومی جامعه و ضرورت حفظ **امنیت** و صیانت از نفوس و اموال مردم اقتضا دارد که با حبس **بزه‌کاران** و مجرمان، از زیان رساندن آنان به مردم جلوگیری شود. [۱۰۴] [۱۰۵] [۱۰۶]

← باب فقهی

در کتاب‌های فقهی مبحثی مستقل به موضوع حبس اختصاص داده نشده و مباحث آن، ضمن ابواب دیگر آمده است.

← موارد

درباره موارد حبس نیز اتفاق نظر وجود ندارد. مثلاً از میان **فقه‌های مالکی**، فراقی [۱۰۷] حبس را فقط در هشت مورد و ابن فرحون [۱۰۸] در ده مورد جایز دانسته‌اند؛ اما از **علمای شیعه**، **شهید اول**، [۱۰۹] ضمن برشمردن موارد حبس، برای آن قاعده‌ای کلی وضع کرده که به موجب آن، حبس به شرطی **جایز** است که **احقاق حق**، متوقف بر آن باشد.

← حاکم شرع

به نظر برخی **فقه‌های شیعه** تصمیم‌گیری درباره حبس افراد، دست کم در برخی موارد، منحصراً در اختیار **حاکم شرع** و از شئون اوست. [۱۱۰] [۱۱۱] [۱۱۲]

← اهداف

از احادیث و آرای **فقه‌ها** می‌توان دریافت که **تشریح** حبس در **اسلام** اهداف گوناگونی داشته است:

← جریان سالم تحقیق

حبس متهم در جریان تحقیقات مقدماتی به منظور امکان دسترسی به او، جلوگیری از محو کردن آثار و ادله جرم، **تانی** و **فرار** متهم (مانند حبس متهم به قتل). این‌گونه حبس جنبه **کیفری** ندارد. [۱۱۳]

← اقدام تأمینی

حبس به عنوان **اقدام تأمینی** برای پیش‌گیری از وقوع **جرم** و حفظ حقوق و اموال مردم، مانند حبس فرد مردم‌آزار، کسی که قصد کشتن **فرزند** خود را دارد، **پزشک** بدون صلاحیت یا عالم تبه‌کار. [۱۱۴] [۱۱۵] [۱۱۶] [۱۱۷] [۱۱۸] [۱۱۹] [۱۲۰]

← وادار به انجام وظایف

حبس فرد برای وادار کردن او به انجام دادن وظایفش به منظور جلوگیری از تباه شدن حقوق دیگران، مانند حبس **زوج** برای وادار کردن او به پرداخت **نقعه** و حبس بده‌کار برای **ادای دین** (برای احادیث به این منابع، [۱۲۱] [۱۲۲] برای آرای فقها به این منابع [۱۲۳] [۱۲۴] [۱۲۵] (برای نمونه‌های دیگر به این منبع [۱۲۶] [۱۲۷] رجوع کنید).

← مجازات حد

حبس به عنوان **حد** به منظور **مجازات** مجرم، مانند حبس **سارق**ی که پس از دو بار اجرای حد، برای بار سوم مرتکب **سرفت** شده و حبس **زنی** که **مرتد** شده است. [۱۲۸] [۱۲۹] [۱۳۰] [۱۳۱] [۱۳۲] [۱۳۳] [۱۳۴]

← مجازات تعزیری

حبس به عنوان **مجازات تعزیری** در جرایم مستوجب **تعزیر**، که حاکم شرع با توجه به شدت جرم و سوابق و ویژگی‌های مجرم، میزان آن را تعیین می‌کند. [۱۳۵] [۱۳۶] [۱۳۷] [۱۳۸] [۱۳۹] [۱۴۰] در این قسم از حبس، با صلاحیت حاکم شرع، افزودن عقوبات دیگری مانند کاستن از امکانات **محبس** (**زند**) و سخت‌گیری بر فرد حبس شده جایز است. [۱۴۱] حبس تعزیری با کیفرهای **حدود**، **قصاص**، **کفارات** یا **تعزیرات** دیگر قابل جمع است [۱۴۲] (نیز برای تفصیل اقسام حبس در **فقه اسلامی** به این منبع رجوع کنید [۱۴۳] [۱۴۴]).

← انواع حبس کیفری

← ابد

کیفر بزه‌کاران ذیل **حبس ابد** است:
الف. کسی که فردی را نگه داشته و دیگری او را کشته است. [۱۴۵]
ب. کسی که فرمان به قتل دیگری داده و مأمور، او را کشته است.
مباشراً در قتل نیز **قصاص** می‌شود؛ حتی بنا بر **مشهور** اگر بر قتل **اکراه** شده باشد. [۱۴۶]
ج. کسی که دو بار **حد سرفت** بر او جاری شده و برای بار سوم **دزدی** کرده است. [۱۴۷] [۱۴۸]
د. **زن مرتد** در صورتی که از **ارتداد** خود **توبه** نکند. [۱۴۹] [۱۵۰]

← موقت

مهم‌ترین موارد **حبس موقت** عبارت است از:

الف. خودداری زوج از رجوع و **هم‌بستر** شدن و یا **طلاق** دادن **همسر**، در صورتی که **سوگند** خورده باشد یا او هم‌بستر نشود. حاکم شرع زوج را به زندان می‌افکند و در **خوردن** و **آشامیدن** بر او سخت می‌گیرد تا به یکی از دو کار گردن نهد. [۱۵۱] [۱۵۲]
ب. بده‌کاری که به رغم توانایی بر ادای دین از پرداخت آن خودداری می‌ورزد، **حاکم** می‌تواند او را به زندان افکند و بر او سخت بگیرد تا بدهی‌اش را بپردازد یا اموالش را بفروشد و بین طلب‌کاران تقسیم کند و در فرض ادعای **اعسار** اگر نتواند ادعای خود را ثابت کند، زندانی می‌شود تا آن را ثابت نماید. [۱۵۳] [۱۵۴]
ج. در **کفالت** کسی از دیگری، مکفول له می‌تواند از **کفیل** بخواهد جهت **ادای حق**، **مکفول** را احضار کند و در صورت خودداری وی از این کار، می‌تواند از حاکم بخواهد او را به زندان افکند تا مکفول را تحویل دهد یا خود، **حق** را بپردازد. [۱۵۵] [۱۵۶] [۱۵۷]
د. در **اقرار** اگر **مُقَرَّر** به چیزی مبهم اقرار نماید، حاکم وی را به تفسیر آن ملزم می‌کند و بنا بر **قول مشهور** در صورت امتناع از تفسیر، او را تا تبیین آن به زندان می‌افکند. [۱۵۸]

ه. به گفته برخی، اگر **ولی مقتول نابالغ** یا **دیوانه** باشد، **قاتل** تا **زمان بلوغ کودک** یا برطرف شدن **دیوانگی مجنون**، زندانی می‌شود و ولی آنان حق استیفای قصاص ندارد. [۱۵۹] [۱۶۰]

و. بنا بر قول عدّه‌ای، در جایی که **منکر سکوت** کند و حاضر به جواب نباشد، **قاضی** او را به زندان می‌افکند تا پاسخ دهد. [۱۶۱] [۱۶۲]

ز. طبق نظر جمعی، متهم به قتل، در صورت درخواست **ولی دم**، از سوی قاضی زندانی می‌شود تا اقامه **بینه** کند. [۱۶۳]

برخی، مدت حبس را شش روز [۱۶۴] [۱۶۵] و برخی **قدما** سه روز [۱۶۶] ذکر کرده‌اند.

برخی دیگر گفته‌اند: در صورتی که قاضی نیز به سبب شواهدی او را متهم به **قتل** بداند، شش روز به زندان افکنده می‌شود و در غیر این صورت، حبس جایز نیست. [۱۶۷] [۱۶۸]

← احکام

← نماز

بیشتر **فقها** برآنند که **نماز** زندانی در **مکان عصبی** در صورتی که مستلزم تصرفات زاید همچون **تخریب** یا کندن جایی نشود، همانند [نماز شخص مختار است، یعنی باید ایستاده و همراه رکوع و سجود به جا آورد. [۱۶۹] [۱۷۰] [۱۷۱] [۱۷۲]

← محرم

بر **محرمی** که به جهت ناتوانی از **ادای دین** زندانی شده یا ستمگری او را حبس کرده، عنوان **مصدود** صادق است و با **قربانی** کردن از **احرام** بیرون می‌آید. [۱۷۳]

← روزه

زندانی ناتوان از تحصیل **علم** به **ماه رمضان**، بنا بر **مشهور** به **ظن** خود عمل می‌کند و هر **ماه** را که گمان می‌برد **ماه رمضان** است **روزه** می‌گیرد و در صورت فقدان **ظن**، به اختیار خود، ماهی را ماه رمضان قرار می‌دهد و روزه می‌گیرد؛ لیکن اگر پس از آن معلوم شود آن ماه، رمضان نبوده، در صورتی که ماه رمضان قبل از آن ماهی بوده که روزه گرفته، کفایت می‌کند و اگر بعد از آن بوده و سپری شده باشد، باید **قضا** آن را بگیرد و اگر سپری نشده باشد همان ماه را روزه می‌گیرد. [۱۷۴] [۱۷۵] [۱۷۶]

← طلاق

بنا بر قول برخی، مردی که به زندان ابد محکوم شده و رهایی‌اش ممکن نیست، در صورتی که تحمل چنین زندگی‌ای برای **همسرش** دشوار باشد، **حاکم** می‌تواند **زن** او را طلاق دهد. [۱۷۷]

تاریخچه حبس

مجازات‌های سلب کننده آزادی از دیر زمان در جوامع مطرح بوده است و به ویژه حاکمان، این مجازات را در مورد مخالفان اعمال می‌کرده‌اند. بعدها حبس به عنوان **کیفر اصلی** در **قوانین** پذیرفته شد.

← دوره قاجار

در دوره **قاجار**، در شهرهای بزرگ **ایران** زندان وجود داشت، اما کسی محکوم به **حبس ابد** یا **حبس با اعمال شاقه** نمی‌شد. رجال سیاسی نیز به طور اختصاصی اتاق‌هایی برای حبس افراد داشتند. کتابچه کنت دمونت فورت (رئیس پلیس تهران، ایتالیایی تبار) - که متنی قانونی بود و ناصرالدین شاه در ۱۲۹۶ آن را امضا و لازم الاجرا کرد- تا حدودی مصادیق و نحوه اجرای کیفر حبس را قاعده‌مند ساخت. به موجب مواد آن، برای جرم‌هایی مانند توطئه علیه **سلطنت**، **توهین** به **شاه** و خانواده سلطنتی، **جعل سکه** رایج ممالک و سرقت، کیفر حبس مقرر شد. [۱۷۸] [۱۷۹] [۱۸۰]

در قانون مجازات عمومی ایران مصوب ۱۳۰۴ ش چند نوع حبس پیش‌بینی شده بود، از جمله حبس (اعم از ابد و موقت) با اعمال شاقه، حبس مجرد (انفرادی) و **حبس تأدیبی**.

در اصلاحیه ۱۲۵۲ ش، اعمال شاقه از قانون جزا حذف شد و **حبس جنایی** و **حبس جناح‌ای** جانشین **حبس مجرد** و حبس تأدیبی گردید. [۱۸۱] [۱۸۲]

← پس از انقلاب اسلامی

در قوانین ایران پس از پیروزی **انقلاب اسلامی**، از جمله قانون مجازات اسلامی، گونه‌های مختلف حبس منظور شده است، مانند حبس در جرائم مستوجب **حد** و **حبس تعزیری**.

همچنین یکی از انواع اقدامات تأمینی که به هدف حفظ منافع جامعه یا پیش‌گیری از وقوع یا تکرار جرم در موارد متعدد در قوانین پیش‌بینی شده، حبس یا نگاه‌داری در مکان‌های معین است. [۱۸۳] [۱۸۴] [۱۸۵] [۱۸۶]

فهرست منابع

- (۳) ابن تیمیه، مجموع الفتاوی، چاپ مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت ۱۴۲۱/۲۰۰۰.
- (۲) ابن جوزی، نواسخ القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، (بی‌تا).
- (۴) ابن سعید، الجامع للشرائع، قم ۱۴۰۵.
- (۵) ابن فرحون، کتاب تبصرة الحکام فی اصول الاقضية و مناهج الاحکام، مصر ۱۳۰۱، چاپ افست بیروت (بی‌تا).
- (۶) ابن ماجه، سنن ابن ماجه، چاپ محمدفؤاد عبدالباقی، (قاهره ۱۲۷۳/۱۹۵۴)، چاپ افست (بیروت، بی‌تا).
- (۷) ابن منظور، لسان العرب.
- (۸) محمد بن عبدالله احمد، حکم الحبس فی الشريعة الاسلامیه: السجن، الملازمة، التقی، ریاض ۱۴۰۴/۱۹۸۴.
- (۹) محمد باهری و علی‌اکبر داور، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، مقارنه و تطبیق رضا شکری، تهران ۱۳۸۰ ش.
- (۱۰) احمد بن حسین بیهقی، السنن الکبری، بیروت: دارالفکر، (بی‌تا).

- (١١) اسماعيل بن حماد جوهري، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية، چاپ احمد عبدالغفور عطار، قاهره ١٣٧٤، چاپ افسست بيروت ١٤٠٧.
- (١٢) حرّ عاملي، وسائل الشيعة.
- (١٣) خليل بن احمد، كتاب العين، چاپ مهدي مخزومي و ابراهيم سامرائي، قم ١٤٠٩.
- (١٤) محمدمتقي دامغانی، صد سال پیش از این: مقدمه‌ای بر تاریخ حقوق جدید ایران، (تهران) ١٣٥٧ ش.
- (١٥) تاجزمان دانش، حقوق زندانیان و علم زندانها، تهران ١٣٧٤ ش.
- (١٦) محمد بن احمد شمس‌الائمہ سرخسی، كتاب المبسوط، قاهره ١٣٣٤-١٣٣١، چاپ افسست استانبول ١٩٨٣/١٤٠٣.
- (١٧) محمد بن مکی شهید اول، القواعد و الفوائد: فی الفقه و الاصول و العربية، چاپ عبدالهادی حکیم، (نجف ١٩٧٩/١٣٩٩)، چاپ افسست قم (بی‌تا).
- (١٨) عبدالرزاق بن همام صنعانی، المصنّف، چاپ حبيب‌الرحمان اعظمی، بيروت ١٩٨٣/١٤٠٣.
- (١٩) محمدکاظم بن عبدالعظیم طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، چاپ محمدحسین طباطبائی، قم: مکتبة الداوری، (بی‌تا).
- (٢٠) طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن.
- (٢١) نجم‌الدین طبرسی، موارد السّجن فی التّصو و الفتاوی، قم ١٣٧٤ ش.
- (٢٢) محمد بن حسن طوسی، المبسوط فی فقه الامامية، چاپ محمدباقر بهبودی، تهران ١٣٨٨.
- (٢٣) محمد بن حسن فخرالمحققین، ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد، چاپ حسین موسوی کرمانی، علی پناه اشتهاردی، و عبدالرحیم بروجردی، قم ١٣٨٩-١٣٨٧، چاپ افسست ١٣٤٣ ش.
- (٢٤) ویلم فلور، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران ١٣٤٦ ش.
- (٢٥) احمد بن ادریس قرافی، الفروق، أو، أنوار البروق فی أنواع الفروق، بيروت ١٩٩٨/١٤١٨.
- (٢٦) محمد بن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، بيروت ١٩٨٥/١٤٠٥.
- (٢٧) ابوبکر بن مسعود کاسانی، کتاب بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، بيروت ١٩٨٣/١٤٠٣.
- (٢٨) محمد عبدالحی بن عبدالکبیر کنانی، نظام الحكومة النبوية، المسمى التراتیب الادارية، بيروت: دارالكتاب العربي، (بی‌تا).
- (٢٩) کلینی، اصول کافی.
- (٣٠) احمد بن علی مقریزی، کتاب الخطط المقریزیه، مصر ١٣٢٥.
- (٣١) حسینعلی منتظری، دراسات فی ولاية الفقيه و فقه الدولة الاسلامیه، قم ١٤٠٩-١٤١١.
- (٣٢) الموسوعة الفقهية، ج ١٦، كويت: وزارة الاوقاف و الشئون الاسلامیه، ١٩٨٨/١٤٠٩.
- (٣٣) محمدحسین بن باقر نجفی، جواهرالكلام فی شرح شرائع الاسلام، بيروت ١٩٨١.
- (٣٤) احمد وائلی، احکام زندان در اسلام، ترجمه و توضیحات محمدحسن بکائی، تهران ١٣٤٧ ش.

پانویس

١. ↑ فقه الامام جعفرالصادق، ج ٥، ص ٨٦.
٢. ↑ كلمة التقوى، ج ٦، ص ١٦٢.
٣. ↑ منهاج الصالحين (خوبی)، ج ٢، ص ٢٥٥. 
٤. ↑ هداية العباد (کلبایگانی)، ج ٢، ص ١٤٢.
٥. ↑ مهذب الاحکام، ج ٢٢، ص ٢٦.
٦. ↑ تحرير المجلة، قسم ٢، ج ٢، ص ٧٠.
٧. ↑ الدروس الشرعية، ج ٢، ص ٢٨٢. 
٨. ↑ جامع المقاصد، ج ٩، ص ١٢٧. 
٩. ↑ تحرير المجلة، قسم ٢، ج ٢، ص ٧١.
١٠. ↑ الانوار اللوامع، ج ٢، ص ٢٧٥.
١١. ↑ مسالك الافهام، ج ٥، ص ٢٥٢. 
١٢. ↑ مسالك الافهام، ج ٥، ص ٢٤٦. 
١٣. ↑ الشرح الصغير، ج ٢، ص ٢٥٥.
١٤. ↑ تحرير الأحکام، ج ٢، ص ٣٢٢. 
١٥. ↑ جامع المقاصد، ج ٩، ص ١٢٧-١٢٨. 
١٦. ↑ الانوار اللوامع، ج ١٢، ص ٢٢٥-٢٢٧.
١٧. ↑ جواهر الكلام، ج ٢٨، ص ١٥٢-١٥٤. 
١٨. ↑ منهاج الصالحين (خوبی)، ج ٢، ص ٢٥٥. 
١٩. ↑ المناهل، ص ٥٢٠.
٢٠. ↑ منهاج الصالحين (سيد محمد سعيد حکيم)، ج ٢، ص ٢٩٠. 
٢١. ↑ كلمة التقوى، ج ٦، ص ١٦٥.
٢٢. ↑ الانوار اللوامع، ج ١٢، ص ٢٢٥-٢٢٦.
٢٣. ↑ الشرح الصغير، ج ٢، ص ٢٥٥.
٢٤. ↑ حاشية شرائع الاسلام، ص ٥٢٥.
٢٥. ↑ الحدائق الناضرة، ج ٢٢، ص ٢٩٦. 
٢٦. ↑ كفاية الاحکام، ج ٢، ص ٢٦. 
٢٧. ↑ مفتاح الكرامة، ج ١٨، ص ٢٤٤.
٢٨. ↑ المناهل، ص ٥٢٠.
٢٩. ↑ تذكرة الفقهاء (ق)، ج ٢، ص ٤٤٨. 
٣٠. ↑ جامع المقاصد، ج ٩، ص ١٢٧. 
٣١. ↑ منهاج الصالحين (خوبی)، ج ٢، ص ٢٥٢. 
٣٢. ↑ كلمة التقوى، ج ٦، ص ١٦٢.
٣٣. ↑ منهاج الصالحين (سيد محمد سعيد حکيم)، ج ٢، ص ٢٩٠. 
٣٤. ↑ تحرير الاحکام، ج ٢، ص ٣٢٢. 
٣٥. ↑ جامع المقاصد، ج ٩، ص ١٢٧. 
٣٦. ↑ منهاج الصالحين (خوبی)، ج ٢، ص ٢٥٢. 
٣٧. ↑ منهاج الصالحين (سيد محمد سعيد حکيم)، ج ٢، ص ٢٩٠. 
٣٨. ↑ كلمة التقوى، ج ٦، ص ١٦٢-١٦٤.
٣٩. ↑ منهاج الصالحين (سيستانی)، ج ٢، ص ٤٢٢. 
٤٠. ↑ كشف الغطاء، ج ٤، ص ٢٧٩-٢٧٨.
٤١. ↑ جواهر الكلام، ج ٢٨، ص ١٥٢. 
٤٢. ↑ كلمة التقوى، ج ٦، ص ١٦٤.
٤٣. ↑ جواهر الكلام، ج ٢٨، ص ١٥٢. 
٤٤. ↑ الدروس الشرعية، ج ٢، ص ٢٨٢. 
٤٥. ↑ جامع المقاصد، ج ٩، ص ١٢٧. 
٤٦. ↑ جواهر الكلام، ج ٢٨، ص ١٥٢. 
٤٧. ↑ منهاج الصالحين (خوبی)، ج ٢، ص ٢٥٢. 
٤٨. ↑ تذكرة الفقهاء (ق)، ج ٢، ص ٤٤٨. 

٤٩. ↑ تحرير الوسيلة، ج٢، ص٧٧. 📖
٥٠. ↑ منهاج الصالحين (خويي)، ج٢، ص٢٥٢. 📖
٥١. ↑ كلمة التقوى، ج٦، ص١٦٤.
٥٢. ↑ منهاج الصالحين (سيد محسن حكيم «حاشيه صدر»)، ج٢، ص٢٦٧. 📖
٥٣. ↑ قواعد الاحكام، ج٢، ص٤٠٤. 📖
٥٤. ↑ جواهر الكلام، ج٢٨، ص١٥٤. 📖
٥٥. ↑ منهاج الصالحين (خويي)، ج٢، ص٢٥٢. 📖
٥٦. ↑ جواهر الكلام، ج٢٨، ص١٥٤. 📖
٥٧. ↑ تحرير الوسيلة، ج٢، ص٨٧. 📖
٥٨. ↑ كلمة التقوى، ج٦، ص١٦٤-١٦٥.
٥٩. ↑ خليل بن احمد، كتاب العين، ذيل وازه، چاپ مهدي مخزومي و ابراهيم سامرائي، قم ١٤٠٩. 📖
٦٠. ↑ اسماعيل بن حماد جوهري، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية، ذيل وازه، چاپ احمد عبدالغفور عطار، قاهره ١٣٧٤، چاپ افست بيروت ١٤٠٧. 📖
٦١. ↑ ابن منظور، لسان العرب، ذيل وازه. 📖
٦٢. ↑ ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج٢، ص٩٨، چاپ محمدفؤاد عبدالباقي، (قاهره ١٣٧٢/١٩٥٤)، چاپ افست (بيروت، بى تا).
٦٣. ↑ ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج٢، ص٨١١، چاپ محمدفؤاد عبدالباقي، (قاهره ١٣٧٣/١٩٥٤)، چاپ افست (بيروت، بى تا).
٦٤. ↑ كليني، اصول كافي، ج٢، ص٥٦٠. 📖
٦٥. ↑ كليني، اصول كافي، ج٧، ص٢٦٢. 📖
٦٦. ↑ كليني، اصول كافي، ج٧، ص٤٢٢. 📖
٦٧. ↑ كليني، اصول كافي، ج٨، ص١٢٤. 📖
٦٨. ↑ كليني، اصول كافي، ج٨، ص١٩٢. 📖
٦٩. ↑ محمد بن حسن طوسي، المبسوط فى فقه الامامية، ج٢، ص٢٨٦، چاپ محمدباقر بهبودى، تهران ١٣٨٨. 📖
٧٠. ↑ محمد بن حسن طوسي، المبسوط فى فقه الامامية، ج٤، ص٣٢٢، چاپ محمدباقر بهبودى، تهران ١٣٨٨. 📖
٧١. ↑ حسينعلی منتظرى، دراسات فى ولاية الفقيه و فقه الدولة الاسلامية، ج٢، ص٤٢٢، قم ١٤٠٩/١٤١١. 📖
٧٢. ↑ ابن تيميه، مجموع الفتاوى، ج١٩٩، جزء٢٥، ص١٨٧، چاپ مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت ١٤٢١/٢٠٠٠.
٧٣. ↑ ابن فرحون، كتاب تبصرة الحكام فى اصول الاضية و مناهج الاحكام، ج٢، ص٢١٥، مصر ١٢٠١، چاپ افست بيروت (بى تا).
٧٤. ↑ حسينعلی منتظرى، دراسات فى ولاية الفقيه و فقه الدولة الاسلامية، ج٢، ص٤٢٢، قم ١٤٠٩/١٤١١. 📖
٧٥. ↑ احمد وائلى، احكام زندان در اسلام، ج١، ص١١٠-١١١، ترجمه و توضيحات محمدحسن بكائى، تهران ١٣٤٧ ش.
٧٦. ↑ محمد بن عبدالله احمد، حكم الحبس فى الشريعة الاسلامية: السجن، ج١، ص٢٠٠-٢٠١، الملازمة، الثقى، رياض ١٤٠٤/١٩٨٤.
٧٧. ↑ محمد بن عبدالله احمد، حكم الحبس فى الشريعة الاسلامية: السجن، ج١، ص٢٢٠-٢٢١، الملازمة، الثقى، رياض ١٤٠٤/١٩٨٤.
٧٨. ↑ عبدالرزاق بن همام صنعاني، المصنّف، ج١٠، ص٢١٧-٢١٦، چاپ حبيب الرحمان اعظمى، بيروت ١٤٠٢/١٩٨٢.
٧٩. ↑ احمد بن حسين بيهقى، السنن الكبرى، ج٦، ص٥٢٥-٥٢٦، بيروت: دارالفكر، (بى تا).
٨٠. ↑ احمد بن حسين بيهقى، السنن الكبرى، ج٦، ص٢١٩، بيروت: دارالفكر، (بى تا).
٨١. ↑ احمد بن حسين بيهقى، السنن الكبرى، ج٨، ص٥١٥-٥١٦، بيروت: دارالفكر، (بى تا).
٨٢. ↑ حرّ عاملی، وسائل الشيعه، ج٢٨، ص١٥٠-١٥١.
٨٣. ↑ ابن فرحون، كتاب تبصرة الحكام فى اصول الاضية و مناهج الاحكام، ج٢، ص٢١٥-٢١٦، مصر ١٢٠١، چاپ افست بيروت (بى تا).
٨٤. ↑ احمد بن على مقرئى، كتاب الخطط المقرئيه، ج٢، ص٢٠٢-٢٠٣، مصر ١٣٢٥.
٨٥. ↑ محمد عبدالحي بن عبدالكبير كنانى، نظام الحكومة النبوية، ج١، ص٢٩٤-٣٠٠، المسمى التراتيب الادارية، بيروت: دارالكتاب العربى، (بى تا).
٨٦. ↑ احمد وائلى، احكام زندان در اسلام، ج١، ص١٢٤-١٢٨، ترجمه و توضيحات محمدحسن بكائى، تهران ١٣٤٧ ش.
٨٧. ↑ ابن جوزى، نواسخ القرآن، ج١، ص١٢٠-١٢٢، بيروت: دارالكتب العلمية، (بى تا).
٨٨. ↑ طبرسى، مجمع البيان فى تفسير القرآن، ذيل نور: ٢. 📖
٨٩. ↑ نور/سوره٢٤، آيه٢. 📖
٩٠. ↑ مائده/سوره٥، آيه٢٣. 📖
٩١. ↑ ابوبكر بن مسعود كاسانى، كتاب بدائع الصنائع فى ترتيب الشرائع، ج٧، ص٩٥، بيروت ١٤٠٢/١٩٨٢.
٩٢. ↑ محمد بن احمد قرطبي، الجامع لاحكام القرآن، ذيل مائده: ٢٢، بيروت ١٤٠٥/١٩٨٥.
٩٣. ↑ نجم الدين طيسى، موارد السّجن فى التّصوص و الفتاوى، ج١، ص٢٥٧-٢٥٨، قم ١٣٧٤ ش.
٩٤. ↑ مائده/سوره٥، آيه١٠٦. 📖
٩٥. ↑ حسينعلی منتظرى، دراسات فى ولاية الفقيه و فقه الدولة الاسلامية، ج٢، ص٤٢٢-٤٢٣، قم ١٤٠٩/١٤١١. 📖
٩٦. ↑ الموسوعة الفقهية، ج١٦، ص١٦، ج١٦، ص٢٨٥-٢٨٤، كويت: وزارة الاوقاف و الشئون الاسلامية، ١٤٠٩/١٩٨٨.
٩٧. ↑ عبدالرزاق بن همام صنعاني، المصنّف، ج٩، ص٤٨٠-٤٨١، چاپ حبيب الرحمان اعظمى، بيروت ١٤٠٢/١٩٨٢.
٩٨. ↑ حرّ عاملی، وسائل الشيعه، ج١٨، ص٤١٨-٤١٩. 📖
٩٩. ↑ حرّ عاملی، وسائل الشيعه، ج١٨، ص٤٢٠-٤٢١. 📖
١٠٠. ↑ حرّ عاملی، وسائل الشيعه، ج٢٧، ص٢٣٤. 📖
١٠١. ↑ حرّ عاملی، وسائل الشيعه، ج٢٨، ص٢٦٩. 📖
١٠٢. ↑ حرّ عاملی، وسائل الشيعه، ج٢٨، ص٢٣١. 📖
١٠٣. ↑ حرّ عاملی، وسائل الشيعه، ج٢٩، ص٢٢٤-٢٢٥. 📖
١٠٤. ↑ احمد وائلى، احكام زندان در اسلام، ج١، ص١١٩-١٢١، ترجمه و توضيحات محمدحسن بكائى، تهران ١٣٤٧ ش.
١٠٥. ↑ حسينعلی منتظرى، دراسات فى ولاية الفقيه و فقه الدولة الاسلامية، ج٢، ص٤٢٢، قم ١٤٠٩/١٤١١. 📖
١٠٦. ↑ الموسوعة الفقهية، ج١٦، ص١٦، ج١٦، ص٢٨٦، كويت: وزارة الاوقاف و الشئون الاسلامية، ١٤٠٩/١٩٨٨.
١٠٧. ↑ احمد بن ادريس قرايى، الفروق، ج٤، ص١٧٩-١٨٠، أو، أنوار البروق فى أنواء الفروق، بيروت ١٣١٨/١٩٩٨.
١٠٨. ↑ ابن فرحون، كتاب تبصرة الحكام فى اصول الاضية و مناهج الاحكام، ج٢، ص٢١٨-٢١٧، مصر ١٢٠١، چاپ افست بيروت (بى تا).
١٠٩. ↑ محمد بن مكى شهيد اول، القواعد و الفوائد: فى الفقه و الاصول و العربية، ج١، ص١٩٢-١٩٣، چاپ عبدالهادى حكيم، نجف ١٣٩٩/١٩٧٩، چاپ افست قم (بى تا).
١١٠. ↑ محمد بن حسن فخرالمحققين، ايضاح الفوائد فى شرح اشكالات القواعد، ج٤، ص٢٠٨، چاپ حسين موسوى كرمانى، على پناه اشتهااردى، و عبدالرحيم بروجردى، قم ١٣٨٧/١٣٨٩، چاپ افست ١٣٤٢ ش. 📖
١١١. ↑ محمدحسن بن باقر نجفى، جواهرالكلام فى شرح شرائع الاسلام، ج٢٥، ص٢٥٢، بيروت ١٩٨١. 📖
١١٢. ↑ محمدكاظم بن عبدالعظيم طباطبائى بزدى، العروة الوثقى، ج٢، ص٥١، چاپ محمدحسين طباطبائى، قم: مكتبة الداورى، (بى تا).
١١٣. ↑ نجم الدين طيسى، موارد السّجن فى التّصوص و الفتاوى، ج١، ص٢٧-٤٦، قم ١٣٧٤ ش.
١١٤. ↑ محمد بن احمد شمس الائمة سرخسى، كتاب المبسوط، ج٢٠، ص٩٠، قاهره ١٣٢٤-١٣٣١، چاپ افست استانبول ١٤٠٢/١٩٨٢.
١١٥. ↑ ابن سعيد، الجامع للشرائع، ج١، ص٥٤٨، قم ١٤٠٥. 📖
١١٦. ↑ حرّ عاملی، وسائل الشيعه، ج٢٧، ص٣٠١. 📖
١١٧. ↑ الموسوعة الفقهية، ج١٦، ص١٦، ج١٦، ص٢٩٩، كويت: وزارة الاوقاف و الشئون الاسلامية، ١٤٠٩/١٩٨٨.
١١٨. ↑ نجم الدين طيسى، موارد السّجن فى التّصوص و الفتاوى، ج١، ص١٠٢، قم ١٣٧٤ ش.
١١٩. ↑ نجم الدين طيسى، موارد السّجن فى التّصوص و الفتاوى، ج١، ص١٧٦-١٧٧، قم ١٣٧٤ ش.
١٢٠. ↑ نجم الدين طيسى، موارد السّجن فى التّصوص و الفتاوى، ج١، ص٢١٢-٢١٤، قم ١٣٧٤ ش.
١٢١. ↑ عبدالرزاق بن همام صنعاني، المصنّف، ج٨، ص٢٠٥-٢٠٦، چاپ حبيب الرحمان اعظمى، بيروت ١٤٠٢/١٩٨٢.
١٢٢. ↑ حرّ عاملی، وسائل الشيعه، ج٢٢، ص٢٥٣-٢٥٥. 📖
١٢٣. ↑ محمد بن حسن طوسي، المبسوط فى فقه الامامية، ج٤، ص٢٢٢-٢٢٣، چاپ محمدباقر بهبودى، تهران ١٣٨٨. 📖

۱۲۴. ↑ محمد بن احمد شمس‌الانامه سرخسی، کتاب المبسوط، ج ۵، ص ۱۸۷-۱۸۸، قاهره ۱۳۳۴-۱۳۳۱، چاپ افست استانبول ۱۹۸۳/۱۴۰۳.
۱۲۵. ↑ محمد بن احمد شمس‌الانامه سرخسی، کتاب المبسوط، ج ۲۴، ص ۱۶۴-۱۶۵، قاهره ۱۳۳۴-۱۳۳۱، چاپ افست استانبول ۱۹۸۳/۱۴۰۳.
۱۲۶. ↑ نجم‌الدین طیبسی، موارد السجّن فی التّصوص و الفتاوی، ج ۱، ص ۳۰۴-۳۰۱، قم ۱۳۷۴ ش.
۱۲۷. ↑ نجم‌الدین طیبسی، موارد السجّن فی التّصوص و الفتاوی، ج ۱، ص ۲۱۴-۲۱۱، قم ۱۳۷۴ ش.
۱۲۸. ↑ عبدالرزاق بن همام صنعانی، المصنّف، ج ۱۰، ص ۱۸۶، چاپ حبیب‌الرحمان اعظمی، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳.
۱۲۹. ↑ کلینی، اصول کافی، ج ۷، ص ۲۲۲۲۲۲.
۱۳۰. ↑ کلینی، اصول کافی، ج ۷، ص ۲۵۶.
۱۳۱. ↑ کلینی، اصول کافی، ج ۷، ص ۲۷۰.
۱۳۲. ↑ محمدحسین بن باقر نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۴۱، ص ۵۳۲۵۳۵، بیروت ۱۹۸۱.
۱۳۳. ↑ محمدحسین بن باقر نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۴۱، ص ۶۱۱۶۱۲، بیروت ۱۹۸۱.
۱۳۴. ↑ الموسوعة الفقهية، ج ۱۶، ص ۱۶، ج ۱۶، ص ۲۰۷، کویت: وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية، ۱۹۸۸/۱۴۰۹.
۱۳۵. ↑ کلینی، اصول کافی، ج ۷، ص ۲۲۶.
۱۳۶. ↑ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۳۳۴.
۱۳۷. ↑ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۹، ص ۳۳۴۳۳۵.
۱۳۸. ↑ نجم‌الدین طیبسی، موارد السجّن فی التّصوص و الفتاوی، ج ۱، ص ۱۲۹-۱۲۵، قم ۱۳۷۴ ش.
۱۳۹. ↑ نجم‌الدین طیبسی، موارد السجّن فی التّصوص و الفتاوی، ج ۱، ص ۱۶۲-۱۵۹، قم ۱۳۷۴ ش.
۱۴۰. ↑ نجم‌الدین طیبسی، موارد السجّن فی التّصوص و الفتاوی، ج ۱، ص ۲۱۱-۲۰۵، قم ۱۳۷۴ ش.
۱۴۱. ↑ حسینعلی منتظری، دراسات فی ولاية الفقیه و فقه الدولة الاسلامية، ج ۲، ص ۴۴۴۴۲۷، قم ۱۴۰۹/۱۴۱۱.
۱۴۲. ↑ الموسوعة الفقهية، ج ۱۶، ص ۱۶، ج ۱۶، ص ۲۸۷، کویت: وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية، ۱۹۸۸/۱۴۰۹.
۱۴۳. ↑ احمد وائلی، احکام زندان در اسلام، ج ۱، ص ۲۳۹-۲۳۲، ترجمه و توضیحات محمدحسن بکائی، تهران ۱۳۶۷ ش.
۱۴۴. ↑ احمد وائلی، احکام زندان در اسلام، ج ۱، ص ۲۸۲-۲۸۸، ترجمه و توضیحات محمدحسن بکائی، تهران ۱۳۶۷ ش.
۱۴۵. ↑ جواهر الکلام، ج ۴۲، ص ۴۶.
۱۴۶. ↑ مبانى تکملة المنهاج، ج ۳، ص ۱۳.
۱۴۷. ↑ جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۵۳۲.
۱۴۸. ↑ مبانى تکملة المنهاج، ج ۱، ص ۳۰۴.
۱۴۹. ↑ جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۶۱۱.
۱۵۰. ↑ مبانى تکملة المنهاج، ج ۱، ص ۳۳۱.
۱۵۱. ↑ جواهر الکلام، ج ۳۳، ص ۳۱۵.
۱۵۲. ↑ تحرير الوسيلة، ج ۲، ص ۳۵۷.
۱۵۳. ↑ جواهر الکلام، ج ۲۵، ص ۳۵۳-۳۶۱.
۱۵۴. ↑ مستند الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۸۵.
۱۵۵. ↑ مسالك الافهام، ج ۴، ص ۲۳۶.
۱۵۶. ↑ جواهر الکلام، ج ۲۶، ص ۱۸۹.
۱۵۷. ↑ تحرير الوسيلة، ج ۲، ص ۳۵-۳۶.
۱۵۸. ↑ جواهر الکلام، ج ۳۵، ص ۳۲-۳۳.
۱۵۹. ↑ الخلاف، ج ۵، ص ۱۷۹.
۱۶۰. ↑ جواهر الکلام، ج ۲۸، ص ۱۹۱.
۱۶۱. ↑ مسالك الافهام، ج ۱۳، ص ۴۶۶.
۱۶۲. ↑ جواهر الکلام، ج ۴۰، ص ۲۰۸.
۱۶۳. ↑ جواهر الکلام، ج ۴۲، ص ۲۷۶.
۱۶۴. ↑ الأقطاب الفقهية، ص ۱۶۷.
۱۶۵. ↑ مبانى تکملة المنهاج، ج ۳، ص ۱۲۲.
۱۶۶. ↑ الوسيلة، ص ۴۶۱.
۱۶۷. ↑ مختلف الشیعة، ج ۹، ص ۳۰۶.
۱۶۸. ↑ ابضاح الفوائد، ج ۴، ص ۶۲۰.
۱۶۹. ↑ جواهر الکلام، ج ۸، ص ۲۹۹.
۱۷۰. ↑ العروة الوثقى، ج ۲، ص ۲۶۹.
۱۷۱. ↑ مهذب الاحکام، ج ۵، ص ۲۸۷.
۱۷۲. ↑ مستند العروة (الصلاة)، ج ۲، ص ۲۷.
۱۷۳. ↑ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۱۳۰.
۱۷۴. ↑ مستمسک العروة، ج ۸، ص ۴۷۶.
۱۷۵. ↑ مستند العروة (الصلاة)، ج ۲، ص ۱۲۶-۱۲۷.
۱۷۶. ↑ مهذب الاحکام، ج ۱۰، ص ۲۷۹.
۱۷۷. ↑ العروة الوثقى تکملة، ج ۲، ص ۷۵.
۱۷۸. ↑ ویلم فلور، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ج ۱، ص ۱۴۲-۱۴۱، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران ۱۳۶۶ ش.
۱۷۹. ↑ محمدتقی دامغانی، صد سال پیش از این: مقدمه‌ای بر تاریخ حقوق جدید ایران، ج ۱، ص ۱۹، (تهران) ۱۳۵۷ ش.
۱۸۰. ↑ محمدتقی دامغانی، صد سال پیش از این: مقدمه‌ای بر تاریخ حقوق جدید ایران، ج ۱، ص ۲۸-۲۸، (تهران) ۱۳۵۷ ش.
۱۸۱. ↑ محمد باهری و علی‌اکبر داور، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۲۸۷-۲۸۷، مقارنه و تطبیق رضا شکری، تهران ۱۳۸۰ ش.
۱۸۲. ↑ تاج‌زمان دانش، حقوق زندانیان و علم زندانها، ج ۱، ص ۸۵-۸۲، تهران ۱۳۷۶ ش.
۱۸۳. ↑ تاج‌زمان دانش، حقوق زندانیان و علم زندانها، ج ۱، ص ۱۳۴-۱۳۳، تهران ۱۳۷۶ ش.
۱۸۴. ↑ تاج‌زمان دانش، حقوق زندانیان و علم زندانها، ج ۱، ص ۱۲۸، تهران ۱۳۷۶ ش.
۱۸۵. ↑ تاج‌زمان دانش، حقوق زندانیان و علم زندانها، ج ۱، ص ۱۳۱، تهران ۱۳۷۶ ش.
۱۸۶. ↑ تاج‌زمان دانش، حقوق زندانیان و علم زندانها، ج ۱، ص ۱۲۷، تهران ۱۳۷۶ ش.

منبع

دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله «حبس»، شماره ۵۷۷۲.

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، ج ۳، ص ۲۰۲-۲۰۶.

